



تعلیم و تربیت

مدیر مسئول : نصرالله فلسفی

شماره ۱

فروردین ماه ۱۳۱۴

سال پنجم

نگارش تاریخ

بقلم آقای رشید یاسمی

تاریخ را از آن سبب جزو ادبیات می‌شمرده‌اند که در قفس خواننده تولید هیئتی خاص می‌کرده‌است مانند عبرت و شگفتی و بند و نفرت و شادی و غرور و کبر ملی و امثال این احوال که همه از خواص آثار ادبی است .

مورخ سعی داشته‌است که در میان گروه حوادث گوناگون آنچه در خواننده ایجاد حالی خاص بکند جمع آورد که اسباب تنبه او و بیداری در کارهای آینده باشد . چه بسا مطالب صحیح و آگاهی‌های دقیق که چون خدمتی بفرض مورخ نمی‌گردد متروک می‌ماند و چه بسا مسائل بی پایه و مایه که برای تحریک احساسات خواننده در تاریخ وارد می‌شود، مانند تکثیر عدد سپاه یا شماره مقتولین جنگ و مانند افزایش عمر بزرگان و حدوث وقایع خارق العاده شگفت‌انگیز . از این سبب اعتماد دانشمندان ازین قبیل کتب تاریخی سلب شده و بحکم مجاورت راست هاراهم دروغ می‌پندارند .

مورخین از بسیاری جهات باهم اختلاف دارند چه از حیث غایتی که برای تاریخ در نظر می‌گیرند ، چه از حیث طبیعت وقایعی که اختیار میکنند یا طرز تقسیم‌بندی مطالب و سبک شرح و بیان مقصود یا طریق استدلال و مانند اینها . از جمله مطالعات بسیار نافع یکی این است که کسی وقتی زیاد صرف کند و تاریخ و تاریخ‌نویسی و انواع سبک‌های این فن را و تطوری که حاصل کرده‌است در ایران بنویسد . بدیهی است این کاره محتاج وقت و وسیله بسیار خواهد بود . مادرین مختصرشمه در این باب مینگاریم .

تاریخ نویسی در آغاز برای ثبت حوادث مهمه معمول شده است که نویسندگان افتخارات و اموری را که برای شخص بزرگی یا طایفه جلیلی دارای اهمیت بوده است فراهم می آورده و باین وسیله بان بزرگ تقرب می جستند. بعد مورخین این فن را برای استفاده از سرگذشتهای رجال قدیم مؤثر دانسته نتایج تاریخ را در امور حال و استقبال و درسیاست کشور بکار برده اند. تاریخ پلوتارک رومی بمنظور دستور العمل زندگانی آیندگان برشته تحریر آمده است.

غالباً تاریخهای قدیم در اطراف شخصی یا قومی دور میزد و کمتر بر سر گذشت همه مردمان می پرداخت. تاریخ عمومی از زمانهای قدیم کمتر بدست مانده است. چون مورخ میخواست یا درسی بدهد یا حباب توجهی کند و نوشته خود را محترم و مطبوع قرار دهد ازین جهت تاریخ در زمره آثار ادبی بشمار می آمد.

اگر مورخی از اسناد مقدم بر خود استفاده میکرد غالباً عین آنرا بی تحقیق روایت می نمود و برای آنکه زینت علمی یا ادبی بان بدهد اعدادی در آن وارد میکرد یا شمار و گفتار مقبولی بان میافزود. این نکته از مقایسه تاریخهای قدیم با کتبی که از آنها تقلید کرده اند خوب کشف میشود.

در قرن ۱۸ مورخین اروپا از طرزهای سابق عدول کرده و تاریخ را منحصر بشرح جنگها و وقایع سیاسی ندانسته آنرا وسیله تحقیق در آداب و عادات ملل قرار دادند. حکمای قرن ۱۸ در تاریخ صنایع و رسوم و علوم رنج برده اند. مهمترین آنها موتسکیو و ولتر است، و در اواخر قرن مذکور اصطلاح تاریخ تمدن متداول گردیده است. پروفسورهای آلمانی در ابتدای قرن نوزدهم تاریخهای نوشتند که سرمشق شد، این علماء حوادث تاریخی را بدون پیرایه های ادبی با تنظیمات خاصی بنگارش در آوردند و مفهوم تمدن را که فلاسفه قرن ۱۸ بطور مبهم درک کرده و تاریخ آنرا مینوشتند علماء مزبور روشن کرده و آنرا بشعب بسیار مثل زبان و ادبیات و ادیان و حقوق و اقتصاد تقسیم کردند و برای هر رشته تاریخی نگاشتند. باین ترتیب دایره تاریخ وسعت گرفت و سبک تحریر این علم بسادگی و ایجاز و روشنی و دقت تمایل یافت. سبکهای قدیم که حماسه سرایی و عبارت پردازی و فلسفه بافی و مبالغه های وطنی بود متروک شد. اتفاقاً در

اوایل قرن نوزدهم نهضت معروف رمانتیک شروع شد و در تمام فنون ادب تأثیر بخشید و تاریخ را نیز طبعاً بر ننگ خود درآورد. مجدداً عبارات شاعرانه و خیالات ادیبانه در آن وارد کردند گروهی بر آن شدند که با وجود این تزئینات شعری صورت اصلی اسناد را محفوظ نگاهدارند و جماعتی گفتند باید حوادث گذشته را چنان باهیجان ذکر کرد که خواننده گمان کند در برابر صحنه تیاتری نشسته است. این نظر تا بجائی رسیده است که صنف مخصوصی از تاریخ موسوم بر مان تاریخی بوجود آورده است. رمان تاریخی که از جهت رمانی بسیار نافع است و از جمله فروع دلپذیر ادبیات بحساب میآید از لحاظ تاریخ مفسد و مخرب محسوب میگردد زیرا که خواننده نمیتواند میان اخبار سنددار و اخبار بی سند فرق بگذارد و حق را از باطل بشناسد.

رفته رفته با ترقی سایر علوم تاریخ هم از ادبیات میل جدائی کرد. مورخین کار تحقیق را بدرجه اعلی رسانیدند و اغلب کشف حقیقت را برای جادو یک کتاب ادبی زیبا ترجیح دادند. باینکه میدانستند نوشتن تاریخ خشک و بی جاذبه ادبی تألیفات آنها را محکوم فراموشی خواهد کرد و پیشه تحقیقات تاریخی چندان پیشه شهرت آوری نیست باز سود علم را بر سود خود ترجیح نهادند. بعضی از این دانشمندان با علم باینکه پس از چند سال کتاب جدیدی تألیف میشود و تاریخ آنها در طاق نسیمان خواهد ماند عمری در پی تحقیق صرف کردند و بهمین قناعت نمودند که نتایج رنجهای آنها جز سرمایه علمی عالم بشود، اگر چه خودشان هم فراموش شده باشند. چنانکه امروز کسی کتب اصلی علماء سابق ریاضی و طبیعی را باز نمیکند. با وجود شهرتی که نیوتون انگلیسی در علوم دارد کسی کتاب او را نمیخواند. کتب جدیدتر را که مبتنی بر قول نیوتون است ترجیح میدهند. فقط کتب ادبی و صنعتی است که کهنه و پیر نمیشوند. تألیفات علمی هر چند سال یکبار مبدل و عوض میگرددند.

تاریخ فعلی از جمله علوم است زیرا که مقصود عالم تاریخ دیگر جلب رضای این و آن بادرس عبرت و اندرزیانصیحتهای عملی یا تحریک احساسات خواننده نیست بلکه اساساً مرادش معرفت است. اگر یکی از نتایج فوق هم بدست بیاید بالعرض خواهد بود. حتی قضاوت کردن را هم شان مورخ نمیدانند و همینقدر که مورخی اسناد صحیحه گرد آورد و حسن انتخابی بخرج بدهد و ربط حوادث را کشف کند کار او تمام

است. قضاوت کردن و پند دادن اورا از حدود تاریخ نویسی که معرفت صرف است خارج میکند. همانطور که عالم طبیعی از کشف قانونی مرادش قضاوتی نیست تاریخ نویس هم باید این قبیل ملاحظات را ترک کرده فقط بزنده کردن آثار پیشینیان پردازد و اسلوب علمی را که سنجش صحت و سقم اخبار و اعتباریابی اعتباری شهادت مردمان باشد پیشوای خود قرار دهد و هر چند یقین برای مورخ حاصل نتواند شد لکن وظیفه او این است که حتی الامکان یقین نزدیک شود و غبار شبهات را از روی اسناد تاریخی برداشته با مقایسه و مقارنه آثار پراکنده و بکار بردن حدس و قیاس و تمثیل و استقراء مجهولانی کشف کرده در دسترس خوانندگان بگذارد. هر یک از این مباحث محتاج بمقاله خاصی است. در ایران کمتر تاریخی میتوان نشان داد که شرایط مذکور را رعایت کرده خود را از دامن ادبیات خارج و در آغوش علوم افکنده باشد.

افکار بزرگان

راجع بتعلیم و تربیت

تربیت عبارتست از رسانیدن جسم و روح به بلندترین پایه کمال و جمال افلاطون
تربیت زیباترین حاصل مردان بزرگ است.

تعلیم و تربیت دو چیز جدا گانه است: تربیت کردن عبارتست از میل کسی باینکه دیگری را هم مثل خود کند، تعلیم عبارت از تاسیس روابط آزادانه ای است میان اشخاصی که هر یک احتیاجی حس میکنند، یکی احتیاج کسب کردن معلومات و دیگری احتیاج آموختن آنچه جز هائیکه خود آموخته است، تعلیم جلدی فقط بوسیله زندگی کسب میشود نه بوسیله مدرسه.

تولستوی

اطفال بیشتر از نصیحت و انقاده محتاج سرمشقهای هستند که بتوانند از آنها بیروی کنند. ژوبر معلمی که فقط بنقل معلومات خود برای شاگردان کفایت میکند مانند صنعتگر عادی است ولی معلمی که مزاج اخلاقی و سجیه شاگردان را تشکیل و تربیت میکند صنعتگر حقیقی است. **پارگر**
بشر یگانه مخلوقی است که محتاج بتربیت است و فقط بوسیله تربیت میتواند آدم بشود و قیمت بشر تربیت اوست.

تربیت از قدیمترین احتیاجات بشری است، بلکه چیزی که بتوان آنرا اساس اجراء قانون و سعادت افراد و رفاه ملت و ترقی مدنیت دانست تربیت است.

مادسرل

ازومی برای ایضاح اهمیت تربیت نیست. همیشه گفته شده که نوع بشر را عادت اداره میکند و تربیت جز آموختن عادات بانسانها مطابق احتیاج وقت چیز دیگر نیست. **میرابو**
بقدریکه ورزش برای بدن لازمست همانقدر هم تربیت برای روح لازمست. **نایوتون**

فراهم آورده حسینقلی کانی محصل حقوق